

ویژگی‌های فرهنگی مهاجرین و بازتاب آن در قرآن و احادیث

ماندانا ازوجی^۱
محمدعلی میر^۲
مهدی افچنگی^۳
حامد خانی^۴

چکیده

مسأله هجرت یکی از مهمترین مسائلی است که در آغاز اسلام، اساسی‌ترین نقش را در شکل‌گیری حکومت اسلامی ایفا کرد و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است که از یک سو مؤمنان را از تسلیم در برابر فشار و خفقان مشرکان باز می‌دارد و از سوی دیگر عامل صدور اسلام به شبه جزیره العرب می‌شود. مهاجرین به کسانی می‌گویند که ساکن مکه بودند و بعد از مسلمان شدن به امر پیامبر اکرم (ص) به مدینه هجرت کردند و با توجه به این موضوع مهاجرین با هجرت خود در ترویج اسلام و همچنین اشاعه فرهنگ‌ها، باورها، ارزش‌ها، اعتقادات و آداب و رسوم جدید نقش داشتند و در این راه نیز متحمل سختی‌های بسیاری شدند. به همین سبب پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) به مهاجرین توجه و التفات ویژه‌ای داشتند، چراکه آنان زندگی مادی و اموال خود را در خدمت دعوت او قرار دادند و با هجرت خود صدای اسلام را به گوش جهان رساندند و قرآن کریم نیز از آنان به نیکی یاد کرده است که در قرآن کریم آیاتی در بیان ویژگی‌های مهاجرین وارد شده از جمله خصوصیات بارز مهاجران: اخلاص، صبر، استقامت و توکل به خداوند متعال را می‌توان برشمرد. از این رو در این مقاله به ویژگی‌های فرهنگی مهاجرین و بازتاب آن در قرآن و احادیث پرداخته شده است و روش این تحقیق کتابخانه‌ای است. تلاش شده است تا ابعاد مختلف فرهنگی و رابطه بین جایگاه مهاجرین و تاثیر حضور آنان در جامعه مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

هجرت، مهاجرین، فرهنگ پذیری، قرآن، احادیث.

۱. دانشجوی گروه الهیات، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Email: mahdi1shm@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mohammadalimir.60@gmail.com

۳. استادیار گروه الهیات، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Email: mehdi afchengi5@yahoo.com

۴. دانشیار گروه الهیات، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Email: Mehrvash@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۶ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

طرح مسأله

عده زیادی از انسان‌ها دلایل متفاوتی مانند جنگ، کار، تحصیل و... تن به مهاجرت‌های کوتاه و طولانی مدت یا حتی دائم می‌دهند. آمار رشد سریع مهاجرت، دلیلی بر صحت این موضوع است؛ ولی وجود فرهنگ‌ها، باورها، ارزش‌ها، اعتقادات و آداب و رسوم متفاوت در جوامع مختلف، تأثیر زیادی در ساختار شخصیت و تربیت افراد مهاجر و حتی جوامع مهاجرپذیر خواهد داشت که این تأثیرات سبب تغییرات مثبت یا منفی رفتاری یا حتی آسیب‌هایی در این افراد می‌شوند؛ بنابراین، سازگارشدن با فرهنگ، آداب و رسوم جدید برای افراد مهاجر امری بسیار ضروری و درخور توجه است تا افراد با کمترین آسیب به اهداف خود دست یابند. مهم‌ترین و اساسی‌ترین پیامد مهاجرت نتایج فرهنگی آن است. طبق شواهد گوناگون، مسائل قومی از پیچیده‌ترین و در عین حال، تأثیرگذارترین مسائل اجتماعی و سیاسی در جوامع محسوب می‌شوند. (نوری، ۱۳۶۹، ۹۸)

هجرت دارای پیامدهای مثبت و منفی زیادی است که در همه ابعاد زندگی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی مهاجرین و میزبان تأثیر گذار هست زمینه را برای تغییرات فرهنگی و اجتماعی به وجود آورده و بر نوع تدین و شدت و ضعف آن تأثیر می‌گذارد. نقش مهم در تغییر سبک زندگی مهاجرین و فرهنگ جامعه میزبان دارد. مفهوم و مراد هجرت در روایات بسیار نزدیک به هجرت در عرف قرآن می‌باشد. در کتاب النهایه فی غریب الحدیث و الاثر که با بحث روایات به معنای لغوی و اصطلاحی کلمات پرداخته است، این چنین آمده است: در حدیث آمده: **لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ، وَلَكِنْ جِهَادٌ وَنِيَّةٌ**. به نظر می‌رسد مراد از این هجرت، هجرت از مکه به مدینه است. دین مقدس اسلام نیز در محیطی اگر انسان نتوانست به وظائف دینی خود عمل کند، دستور به مهاجرت می‌دهد، و برای مهاجر که برای خدا مهاجرت کند اجر و ثواب در نظر گرفته است.

سازگاری فرهنگی مسئله‌ای است که در بستر و چارچوب فرهنگی، اجتماعی، روانی، سیاسی، جمعیت‌شناختی و... رخ می‌دهد و بررسی آن تنها از منظر فرهنگی و تلاش برای توضیح و تبیین آن از یک جنبه منفرد، یافته‌ها را ناقص خواهد کرد. اما مهاجرت به دلیل اینکه مستلزم سازگاری است، از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شود؛ البته تا

جایی که این سازگاری به صورت بهنجار و متعادل برآورده شود، نیازهای فرد مهاجر برآورده می شود. مهاجرت در عمل فرد مهاجر را در شبکه جدیدی از تبادلات اجتماعی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قرار می دهد که اگر این شبکه ظرفیت پاسخ گویی به این نیازها را داشته باشد، برای فرد مهاجر همناویی به معضل تبدیل می شود. (قراملکی، ۱۳۸۷، ۳۹۲)

در برخی آثار به مبانی هجرت در قرآن و منظرهای مختلف اشاره شده است ولی این پژوهش صرفاً به بیان مهاجرت از دیدگاه قرآن پرداخته و اشاره ای به ویژگی های فرهنگی مهاجرین نکرده است. در تحقیق دیگر به مباحثی همچون مفهوم و اهمیت هجرت در قرآن و فقه پرداخته اند و نسبت به آثار و انتقال فرهنگی مهاجرین اشاره ای نکرده اند. گرچه تاکنون تحقیقات خوبی صورت گرفته ولی به تبیین ویژگی های فرهنگی مهاجرین کمتر پرداخته شده است. این مقاله به آثار و ویژگیهای فرهنگی مهاجرین پرداخته و انعکاس آنرا در قرآن و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد. این پژوهش با بررسی آیات و احادیث مرتبط با آثار فرهنگی هجرت به بررسی شرایط فرهنگی مهاجرین می پردازد.

برای اینکه فرهنگ به شکل مؤثر عمل و هدف های جامعه را تأمین کند، باید عناصر مختلف آن به خوبی با یکدیگر هماهنگ باشند. وحدت فرهنگی همان انسجام همه عناصر و مجموعه های فرهنگی است که کارکرد واحدی دارند؛ اما پدیده هایی نظیر قوم مداری (اهل قریش)، وجود خرده فرهنگ ها و فرهنگ های مهاجران می توانند این وحدت فرهنگی را با آسیب روبه رو کنند. همچنین سازگاری منفعلانه ممکن است آسیب های جدی اجتماعی و روانی در بر داشته باشد و مهاجران را در خطر از دست دادن پیوندهای خود بعد از رحلت پیامبر (ص) به جانشینی امام علی (ع) بیانجامد و این رقابتی بود که در بین تیره های مختلف قریش وجود داشت. (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۲، ۳۱)

در موضوع هجرت تحقیقات زیادی صورت گرفته که هر کدام جنبه های خاصی را مورد توجه قرار داده است، اما بحث جامع و کاملی نسبت به نتایج فرهنگی مهاجرین نشده است و می توان گفت نوآوری این مقاله بررسی آثار و نتایج فرهنگی مهاجرین و بازتاب آن در قرآن و احادیث است. قرآن کریم هدف مهاجرت را نجات جان و مال و توسعه

فرهنگ و تمدن اسلامی با نیت خالص فی سبیل الله صورت می‌داند.

۱. مفاهیم

۱-۱. هجرت

هجرت از ماده هجر به معنای ترک و جدایی است، مهاجرت در اصل به معنای بریدن از دیگری و ترک وی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ۵۳۶)

مهاجرت گاهی با بدن: «... وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَصَاجِحِ...»^۱ «در بستر از آنها دوری نمائید».

یا با زبان و قلب: «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»^۲ «قوم من قرآن را رها کردند».

و گاهی بریدن از غیر با هر سه (بدن، زبان، قلب) است: (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ۵۳۶)

«وَ اضْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»^۳ «و در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکبیا باش و به طرزی شایسته از آنان دوری گزین!»؛ «... وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا...»^۴

«... و کسانی که هجرت کردند...». یعنی کسانی که از بلاد کفر به بلاد ایمان هجرت کردند. که به همه اینها هجرت می‌گویند.

هجرت اهداف مختلفی نیز در پی دارد، از جمله اینکه گاهی هجرت برای کسب دانش و علوم است (مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَطْلُبُ عِلْمًا شَيْعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ) (کلینی، ۱۴۰۴، ۳۴)، گاهی به هدف حفظ دین (مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ...) و گاهی برای فرار از ظلم و ظالم (هاجروا... من بعد ما ظلموا)^۵ و گاهی برای رسیدن به خداوند (مهاجرٌ مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي)^۶ و زمانی برای فرار از گناه است (يَهْجُرُونَ السَّبِيَّاتِ) (مجلسی، ۱۴۰۳،

۱. نساء: ۳۴.

۲. فرقان: ۳۰.

۳. مزمل: ۱۰.

۴. بقره: ۲۱۸.

۵. مجموعه ورام، ج ۱ ص ۳۳.

۶. نحل: ۴۱.

۷. عنکبوت: ۲۶.

(۲۳۲) و همه اهداف گذشته یا به نیت خدا و (فی سبیل الله) است یا برای غیر خدا. مفهوم و مراد هجرت در روایات بسیار نزدیک به هجرت در عرف قرآن می باشد. در کتاب النهایه فی غریب الحدیث و الاثر (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۲۴۴)

که با بحث روایات به معنای لغوی و اصطلاحی کلمات پرداخته است، این چنین آمده است: در حدیث آمده: **لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ، وَلَكِنْ جِهَادٌ وَنِيَّةٌ**. به نظر می رسد مراد از این هجرت، هجرت از مکه به مدینه است؛ زیرا در ادامه مطلب آمده: **فَلَمَّا فُتِحَتْ مَكَّةُ صَارَتْ دَارَ إِسْلَامٍ كَالْمَدِينَةِ وَانْقَطَعَتِ الْهَجْرَةُ** که خداوند بر آن وعده بهشت داده است: **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ...**

۱-۲. مهاجرین

عنوان مهاجران بر مسلمانانی گذارده شد که به دلیل آزار و اذیت مشرکان مکه به دستور پیامبر (ص) از مکه به مدینه مهاجرت کردند. (مقریزی، ۱۴۲۰، ۸۵) البته در این ارتباط تعاریف دیگری نیز در منابع موجود می باشد مثلاً تعبیر شده است به تمام مسلمانانی که تا فتح مکه در سال هشتم هجری، از مکه به مدینه مهاجرت کردند؛ با این حال کسانی که قبل از صلح حدیبیه (سال ششم هجری) وارد مدینه شدند، از جایگاه بالاتری برخوردارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۶۱)

در قرآن ۲۴ بار از مشتقات هجرت یاد شده که با عناوین مهاجران، الذین هاجروا و من هاجر است. (جعفری، ۱۳۹۰، ۵۳۶) همچنین قرآن از مهاجران در کنار جهادگران یاد کرده^۱ و آنان را با صفات صبر و توکل^۲ ستوده، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۹۵) و مؤمنان حقیقی^۳ دانسته است که با هجرت به ایمانشان تحقق بخشیدند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۹۹) قرآن کریم از آموزش گناهان^۴ و ورودشان به بهشت نیز سخن گفته است.^۵ البته به گفته عالمان

۱. بقره: ۲۱۸؛ انفال: ۷۲-۷۵.

۲. نحل: ۴۲.

۳. انفال: ۷۴.

۴. بقره: ۲۱۸؛ انفال: ۷۴.

۵. آل عمران: ۱۹۵.

شیعه از ظاهر آیات برداشت می‌شود که منظور خداوند، مهاجرانی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۷۴) که بر عهد و پیمان خود استوار ماندند، نه همه آنان. (طوسی، ۱۳۸۹، ۳۲۹)

مهاجر بودن در قرن‌های نخستین قمری افتخار محسوب می‌شد؛ عمر بن خطاب در تقسیم بیت‌المال، مهاجران را به دلیل سبقت در اسلام، سهم بیشتری داد (ابن سعد، ۱۴۰۳، ۲۱۴) و اعضای شورای شش نفره برای تعیین خلیفه پس از خود را از میان آنان انتخاب کرد؛ (یعقوبی، ۱۳۸۹، ۱۶۰) هر چند کار نظارت بر آن را به انصار سپرد.

برخی از افراد سرشناسی که به دستور پیامبر (ص) از مکه به مدینه مهاجرت کردند، عبارتند از:

امام علی (ع) نخستین امام شیعیان و جانشین پیامبر (ص) است، او در لیلۃ‌المبیت (شب هجرت پیامبر) در جای خواب پیامبر (ص) خوابید تا مشرکان گمان نکنند که پیامبر (ص) هنوز از مکه خارج نشده است. همچنین از جانب پیامبر مأموریت یافت تا اماناتی که از مردم نزد پیامبر (ص) بود را به صاحبانشان برگرداند و پس از سه روز به سوی مدینه حرکت کرد. (مسعودی، ۱۸۹۳، ۲۰۰)

فاطمه (ع) دختر پیامبر (ص) که در سال دوم هجری با امام علی (ع) ازدواج کرد. (طبری، ۱۳۷۰، ۴۱۰) او به همراه چند زن دیگر از جمله فاطمه بنت اسد به سرپرستی امام علی (ع) سه روز پس از حرکت پیامبر (ص) به مدینه مهاجرت کردند. (ابن شهر، ۱۳۷۹، ۱۸۳)

ام سلمه، همسر عبدالله بن عبدالاسد بود که افراد قبیله اش برای مدتی مانع از هجرت وی به همراه شوهرش به مدینه شدند. او پس از شهادت ابوسلمه به همسری پیامبر (ص) درآمد. (ابن هشام، ۱۴۱۸، ۴۶۹)

ابوبکر بن ابی‌قحافه، پیامبر (ص) را در جریان هجرت به مدینه همراهی می‌کرد و به همراه او در غار ثور پنهان شد. (طبری، ۱۳۷۰، ۲۷۳) او پس از درگذشت پیامبر به عنوان خلیفه انتخاب شد و از این رو از نگاه اهل سنت خلیفه اول از خلفای نخستین است، اما شیعیان خلافت او را نمی‌پذیرند و بر این باورند که پیامبر (ص)، امام علی (ع) را جانشین خود تعیین کرده است. (مظفر، ۱۳۸۰، ۶۰)

عمر بن خطاب (خلیفه دوم)، عثمان بن عفان (خلیفه سوم)، حمزه بن عبدالمطلب عموی پیامبر، عثمان بن مظعون، ابوحنظله، مقداد بن عمرو، ابوذر غفاری و عبدالله بن مسعود از دیگر مردان مهاجر بودند. همچنین زینب دختر پیامبر(ص)، ام کلثوم دختر پیامبر(ص)، رقیه دختر پیامبر(ص)، فاطمه بنت اسد، ام ایمن، عائشه، زینب دختر جحش و سوده دختر زعمه بن قیس از دیگر زنان مهاجر بودند. (مسعودی، ۱۸۹۳، ۲۰۰)

۱-۳. فرهنگ پذیری

منظور از فرهنگ پذیری فرایندی دائمی، پایدار و پویا است که متضمن پذیرش انتقال عناصر قوی فرهنگ دیگری از جمله باورها و مقدسات آن و نیز اخذ مدل‌های فکری فرهنگ دیگر است که تغییر در شیوه تفکر را موجب می‌شود. و به تعبیر دیگر فرهنگ پذیری به مجموعه پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که از تماس دائم و مستقیم بین گروه‌هایی از افراد یا فرهنگ‌های جوامع مختلف نشأت می‌گیرد و منجر به تغییراتی در الگوهای فرهنگی اولیه گروه‌ها یا جوامع مزبور می‌شود. (روح الامینی، ۱۳۷۰، ۱۳۷)

۲. آثار هجرت مهاجرین

در ارتباط با هجرت مهاجرین بایستی ابتدا این مطلب را اذعان بداریم که گروه کوچکی از مسلمانان بعد از دیدن وضع رقت‌بار مسلمانان و شکنجه بی‌امان مشرکان و... مسئله را با پیامبر (ص) مطرح کردند و از حضرت کسب تکلیف نمودند. حضرت در پاسخ فرمود: «اگر به سرزمین حبشه سفر کنید، برای شما بسیار سودمند خواهد بود» زیرا بر اثر وجود یک زمامدار نیرومند و دادگر در آنجا به کسی ستم نمی‌شود و آنجا سرزمین دوستی و پاکی است و شماها می‌توانید در آن سرزمین بسر ببرید تا خدا فرجی برای شما پیش آورد».

«لَوْ خَرَجْتُمْ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ فَإِنَّ بِهَا مَلِكًا لَا يُظْلَمُ عِنْدَهُ أَحَدٌ وَهِيَ أَرْضٌ صِدْقٍ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ فَرْجًا مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ» (ابن هشام، ۱۴۱۸، ۳۴۹)

کلام پیامبر اسلام (ص)، چنان اثر کرد که در زمانی کوتاه آنهایی که آمادگی بیشتری داشتند، بار سفر بستند.

شبان و مخفیانه، برخی پیاده و بعضی سواره راه جده را پیش گرفتند و مجموع آنها

در این نوبت ده یا پانزده نفر بودند. چهره شاخص آنها جعفر بن ابی طالب بود و میان آنها چهار زن مسلمان نیز دیده می‌شد. (طبری، ۱۳۹۸، ۵۴۶)

سخنان جعفر بن ابیطالب نزد نجاشی زمامدار حبشه چنان تاثیر گذاشت که شاه حبشه، از گفتار جعفر کاملاً خوشحال شد و گفت: «به خدا سوگند، عیسی را بیش از این مقامی نبود.» ولی وزیران و اطرافیان منحرف، گفتار شاه را نپسندیدند و او علی رغم افکار آنها عقاید مسلمانان را تحسین نمود و به آنها آزادی کامل داد.

در نتیجه هجرت این گروه از مسلمانان بذر اسلام در بیرون از جزیره العرب پاشیده شد، هنگام بازگشت جعفر و همراهان، چهل تن از اهل آن کشور که ایمان آورده بودند، به جعفر گفتند: به ما اجازه ده تا خدمت این پیامبر (ص) برسیم و اسلام خود را بر او عرضه بداریم. همراه جعفر به مدینه آمدند، هنگامی که فقر مالی مسلمانها را مشاهده کردند، به رسول خدا (ص) عرض کردند: ما اموال فراوانی در دیار خود داریم، اگر اجازه فرمایید به کشور خود بازگردیم و اموال خود را همراه بیاوریم و با مسلمانان تقسیم کنیم، پیامبر (ص) اجازه فرمودند، رفتند و اموال خود را آوردند و میان خود و مسلمین تقسیم کردند، در این هنگام آیه‌های سوره قصص نازل گردید^۱ و خداوند از آنها تمجید کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۳۹۳)

قرآن از مهاجران یاد شده با عنوان پیشگامان نخستین یاد کرده است. چنان که می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ الْاَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِاِحْسَانٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ»^۲؛

«پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها (نیز) از او خشنود شدند.»

در جای دیگر از قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا...»^۳؛

۱. قصص: ۵۲-۵۴.

۲. توبه: ۱۰۰.

۳. نحل: ۴۱.

«آنانی که در راه خدا هجرت کردند، بعد از آن که ستم شدند.» درباره این گروه نازل شده است.

گاهی اوقات به این هجرت، هجرت اولیه و به هجرت گروهی از مسلمانان که بعد از صلح حدیبیه و به دست آمدن یک محیط نسبتاً امن به مدینه هجرت نمودند، هجرت ثانیه گفته می‌شود، و گاهی بر هجرت تمام کسانی که بعد از جنگ بدر تا زمان فتح مکه به مدینه مهاجرت کردند، این عنوان اطلاق می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۶۲)

بررسی تاریخ نشان می‌دهد که هجرت پیامبر اکرم (ص) و مهاجرین، دو عامل اصلی در پیروزی اسلام در برابر دشمنان نیرومند بود. (ابن هشام، ۱۴۱۸، ۳۰۴) اگر هجرت نبود اسلام در محیط خفقان آور مکه از میان می‌رفت. هجرت پیامبر اکرم (ص) اسلام را از شکل منطقه‌ای بیرون آورد و در شکل جهانی قرار داد.

هجرت در راه خداوند متعال و در راه خیر و نیکی سبب پدیدار شدن آثار متعددی در زندگی انسان می‌شود که چند نمونه را به اختصار بیان می‌کنیم:

اولین اثر ایجاد امنیت است که بسیار حائز اهمیت می‌باشد همانگونه که در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً...»^۱ «کسی که در راه خدا هجرت کند جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد...».

طبق این آیه اسلام با صراحت دستور می‌دهد که اگر در محیطی بخاطر عواملی نتوانستید آنچه وظیفه دارید انجام دهید به محیط و منطقه امن دیگری مهاجرت کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۹۰)

دومین اثر هجرت، آمرزیده شدن و بخشش گناهان در پرتو رحمت پروردگار عالمیان: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲

۱. نساء: ۱۰۰.

۲. بقره: ۲۱۸.

«کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.»
بر پایه این آیه مؤمنان و مجاهدان همگی به رحمت الهی امید دارند البته مؤمنان اهل هجرت و جهاد در راه خدا، در مرتبه والا از رجای واثق و رحمت خاص برخوردارند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ۴۱)

سومین اثر نجات یافتن از محیط‌های آلوده به شرک و کفر و روی آوردن: «إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»^۱
«زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند و گفتند: «پروردگارا! ما را از سوی خود رحمتی عطا کن و راه نجاتی برای ما فراهم ساز.»
آثار دیگری نیز در پرتو هجرت مهاجرین شکل گرفت که در تثبیت و ثبات حکومت اسلامی نقش بسزایی داشتند، عبارتند از:^۲

- ◀ توسعه اسلام و ازدیاد مسلمانان.
 - ◀ تشکل مسلمین.
 - ◀ ایجاد ارتش اسلام.
 - ◀ ایجاد مرکز قدرت برای مسلمانان.
 - ◀ تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، و تبدیل شدن یشرب (مدینه) به «مَدِينَةُ الرَّسُولِ».
 - ◀ مهار دشمنان و سرکوب آنها (اعم از مشرکین و یهودیان).
 - ◀ بیرون آمدن اسلام از شکل منطقه‌ای و جهانی شدن و عزت آن.
 - ◀ پیروزیهای پی در پی و فتح مکه.
 - ◀ فراهم آمدن زمینه تربیت انسانهایی چون سلمان و اباذر و عمار و ...
- مروری اجمالی بر مجموعه این آثار و پیامدها ما را به این نتیجه واقف می‌سازد که پیامبر اسلام (ص) با هجرت خود درصدد تشکیل و نظام بخشی جامعه اسلامی بود. لذا

۱. کهف: آیه ۱۰.

۲. رک: تفسیر آیات: کهف: ۱۵ و ۱۶؛ انفال: ۲۶، ۷۴ و ۷۵؛ توبه: ۴۰؛ نساء: ۶۶؛ مریم: ۴۹؛ نحل: ۴۱؛ آل عمران: ۱۹۵؛ کهف: ۱۶؛ نساء: ۸۹؛ بقره: ۲۱۸؛ قصص: ۲۱؛ نساء: ۱۰۰؛ آل عمران: ۱۹۰ و ۱۹۵.

اقدامات انجام شده در آستانه جرت به مدینه در یک جهت و برای دستیابی به چنین هدفی بود.

۳. ویژگی های فرهنگی مهاجرین

در تاریخ بشریت، کسانی بیشترین نقش سازنده را داشته‌اند که حرکت و هجرت کرده‌اند. هجرت آدم (ع) تاریخ بشر را، هجرت موسی (ع) تاریخ یهودیت را و هجرت مسیح (ع) سرنوشت مسیحیت را رقم زد و هجرت پیامبر اکرم (ص) سبب گسترش اسلام و هجرت علی (ع) از مدینه به کوفه و هجرت حسین بن علی (ع) از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا، موجی شد که تمام حرکتها و موجها و هجرت گذشتگان در او جمع آمد و همین طور ائمه دیگر. مهاجرین دارای ویژگی های فرهنگی خاصی بودند که در قرآن و احادیث نیز بازتاب داشت از این رو در ذیل به مهم ترین ویژگی های آنها می پردازیم.

۳-۱. ترویج و تقویت ایمان و اخلاص در عمل

اولین ویژگی فرهنگی مهاجران، ترویج ایمان و عمل با اخلاص و انگیزه الهی است که از ایمان آنها سرچشمه می گیرد. بعضی آیات و روایات را در این زمینه عبارتند از: در چند آیه از قرآن قید «فی سبیل الله؛ در راه خدا» برای هجرت مهاجران ذکر شده است؛ مانند «هَاجِرُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱ «در راه خدا هجرت و جهاد کردند.» و «مَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا»^۲؛ «کسی که در راه خدا هجرت کند، در زمین جاهای امن ... می یابد.» و مانند «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا... فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳؛ «کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند... در راه خدا.»

در روایت دارد که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَتَرَوَّجُهَا فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹)

۱. بقره: ۲۱۸.

۲. نساء: ۱۰۰.

۳. انفال: ۷۲-۷۴.

ای مردم! (ارزش و عدم ارزش) اعمال فقط با انگیزه‌ها است و فقط برای هر کس همان می‌ماند که نیت کرده است. پس کسی که هجرتش به سوی خدا و رسولش باشد، پس هجرتش به سوی خدا و رسول او است و کسی که هجرتش به سوی دنیایی باشد که به آن برسد، و یا زنی که با او ازدواج کند، هجرتش به سوی همان چیزی است که به سوی آن هجرت کرده است.»

به همین جهت است که ابراهیم (ع) اعلان می‌دارد «إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي»^۱؛ «به راستی به سوی خدایم هجرت می‌کنم.» و «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي»^۲؛ «من به سوی خدای خود می‌روم.»

آری مهم‌ترین صفت و ویژگی مهاجر آن است که هجرتش، تلاشش، تبلیغش و... همه برای خدا باشد و ایمانش از سر تسلیم و رضایت خداوند: «مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ طَوْعًا فَهُوَ مُهَاجِرٌ»^۳ (کلینی، ۱۴۰۴، ۱۴۸) هر کس داوطلبانه (و از سر تسلیم در مقابل رضایت خداوندی) به اسلام در آید، مهاجر است.»

«لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۳ «(این اموال) برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند، در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند.»

در این آیه سه صفت برای مهاجران خدایی ذکر شده است: دنبال فضل الهی بودن، خشنودی او را در خواست نمودن، و خدا و رسول او را یاری کردن؛ ولی در واقع همه این صفات به یک هدف؛ یعنی، اخلاص برمی‌گردد.

آیات فوق سراسر ایمان و توحید و انگیزه الهی جوانان مهاجر کهف را بیان می‌کند.

۱. عنکبوت: ۲۶.

۲. صافات: ۹۹.

۳. حشر: ۸.

۳-۲. پاکیزگی و طهارت

یکی از ویژگی های فرهنگی این است که مبلغ مهاجر آن گاه سخنش به دلها راه خواهد یافت که از دل پاک برآید. به همین جهت است که پیامبران، از جمله خاتم پیغمبران، آن گاه وحی را تلقی و دریافت می کنند که به اوج پاکی رسیده باشند. و بعد از دریافت وحی و راه یابی به عمق کتاب تدوین، دستور راه یابی به قلب کتاب تکوین، یعنی انسان را می یابند و به پیامبر اکرم (ص) در روزهای اول بعثت دستور چنین هجرتی داده می شود. «وَالزَّجْرَ فَاهْجُرْ»؛ «و از پلیدی دوری کن».

هر چند این فرمان جنبه دفعی دارد نه رفعی؛ ولی به این مقدار این پیام را همراه دارد که مبلغان مهاجر باید هجرتی از گناهان داشته باشند و برخوردار از طهارت و پاکی روحی باشند.

رسول خدا (ص) درباره اهمیت طهارت و پاکیزگی چنین فرموده است: **بُنِيَ الدِّينُ عَلَى النَّظَافَةِ وَقَالَ: مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطَّهْوَرُ**؛ (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ۲۸۱) دین بر نظافت و پاکی بنا شده و کلید قبولی نماز طهارت است.

در جای دیگر فرمود: **الطَّهْوَرُ شَطْرُ الْإِيمَانِ** (محمدی ری شهری، ۱۴۲۲، ۵۸۸)؛ طهارت نیمی از ایمان است.

در شریعت مقدس اسلام، طهارت شرط صحت بعضی از عبادات است که بدون آن عمل باطل است و در برخی، شرط کمال است که نبود آن از ارزش عمل می کاهد. از این رو، امام حسن (ع) به عنوان یک رهنمود کلی فرمود: **إِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبَادَةَ تَزَكِي لَهَا** (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱۲)؛ هر کس خواهان عبادت است، خود را برای آن پاکیزه می کند. طهارت ظاهری، مقدمه طهارت روح و دستیابی به تقوا می گردد که آن نیز مایه بالا رفتن اعمال و پذیرش آن در درگاه الهی است. حضرت امیر سلام الله علیه در این باره می فرماید: **... فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ... وَ طَهْوَرُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ...؟** تقوای الهی، دوی بیماری دل و پاک کننده پلیدی جان شماست.

۱. مدثر: ۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹، ص ۶۳۵.

۳-۳. پرهیز از گناه و روی آوردن به کار خیر

یکی از بارزترین ویژگی‌های فرهنگی مهاجران که حتی نام هجرت به خود گرفته دوری از گناه و تمایلات نفسانی و گرویدن به کارهای خیر است که این فرهنگ پسندیده بین امت اسلام ترویج پیدا کرد.

بدان جهت در روایت دارد از پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «أَشْرَفُ الْهِجْرَةِ أَنْ تَهْجَرَ السَّيِّئَاتِ» (محمدی ری شهری، ۱۴۲۲، ۵۲۱) برترین هجرت آن است که از گناهان هجرت کنی.»

در جای دیگر نیز دارد که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الْهِجْرَةُ هِجْرَتَانِ: إِحْدَاهُمَا أَنْ تَهْجَرَ السَّيِّئَاتِ وَ الْأُخْرَى أَنْ تُهَاجِرَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ رَسُولِهِ وَ لَا تَنْقَطِعُ الْهِجْرَةُ مَا تُقْبَلَتِ التَّوْبَةُ؛ هِجْرَتِ دُوْ كُونَةٍ اسْت: يَكِي از آن‌ها اينكه از بدیها دوری كنی و دیگری آن است كه به سوی خداوند متعال و رسولش هجرت كنی و تا زمانی كه توبه پذیرفته می‌شود، هجرت قطع نمی‌شود.» (محمدی ری شهری، ۱۴۲۲، ۶۶۰۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَفْضَلُ الْهِجْرَةِ أَنْ تَهْجَرَ مَا كَرِهَ اللَّهُ» (محمدی ری شهری، ۱۴۲۲، ۵۲۱) برترین هجرت آن است كه فاصله بگیری از چیزی كه خدا بد می‌داند.» و فرمود: «أَفْضَلُ الْهِجْرَةِ أَنْ تَهْجَرَ السُّوءِ؛ برترین هجرت آن است كه از بدی هجرت کنی.» (محمدی ری شهری، ۱۴۲۲، ۵۲۱)

حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبَ؛ مهاجر کسی است كه (از) خطاها و گناهان هجرت كند.» در اینجا به صورت حصر می‌فرماید تنها مهاجر کسی است كه از خطاها و گناهان هجرت كند.

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «أَهْجَرُوا الشَّهَوَاتِ فَإِنَّهَا تَقُودُكُمْ إِلَى رُكُوبَةِ الذُّنُوبِ وَ التَّهْجِيمِ عَلَى السَّيِّئَاتِ؛ از شهوات هجرت و دوری كنید، زیرا شهوات شما را به سوی ارتكاب گناهان و هجوم بردن بر زشتیها هدایت می‌كند.» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ۲۵۰۵)

۳-۴. فرهنگ صبر و استقامت

یکی از برجسته ترین صفات انسانی که عامل بازدارندگی دارد، صبر و استقامت است. صبر در لغت به معنای خویشتن داری، حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است. (زیبیدی، ۱۴۱۴، ۷۱) و برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی تابی و بی قراری دانسته اند. (جوهری، ۱۳۶۹، ۷۰۶) در فرهنگ اخلاقی، صبر و استقامت عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می کنند و باز داشتن از آنچه عقل و شرع نهی می کنند. (طریحی، ۱۳۶۲، ۱۰۰۴) و همچنین حفظ نفس از اضطراب، اعتراض و شکایت و همچنین به آرامش و طمأنینه گفته می شود. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۸۲)

پیرامون مساله صبر و استقامت مهاجرین و نمود پیدا کردن این شاخصه فرهنگی در برابر مشکلات و ظلم و آزار و اذیت ها از سمت دشمنان، قرآن کریم با بیانی شیوا و روشن می فرماید: «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ»؛^۱ «آنها که هجرت کردند و از سرزمین خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند (ولی همه را تحمل کردند) به یقین گناهان شان را می بخشم.»

در آیه دیگری نیز در توصیف مهاجران فرمود: «الَّذِينَ صَبَرُوا»؛^۲ «آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند.»

خداوند به پیامبرش - که کوه صبر بود - به عنوان مبلغ دستور می دهد: «وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَشُقُّونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»؛^۳ «و در برابر آنچه آنها (مخالفان و دشمنان) می گویند شکیا باش و با طرز زیبایی از آنها هجرت و دوری نما.»

مرحوم طبرسی می گوید: «این آیه دلالت می کند بر اینکه مبلغین (مهاجر) اسلام و دعوت کنندگان به سوی قرآن، باید در مقابل ناملایمات شکیبایی پیشه کنند و با حُسن

۱. آل عمران: ۱۹۵.

۲. نحل: ۴۲-۱۱۰.

۳. مزمل: ۱۰.

خلق و مدارا، با مردم معاشرت نمایند تا سخنان آنها زودتر پذیرفته شود.»
(طبرسی، ۱۳۷۲، ۳۷۹)

۳-۵. امیدواری و توکل به پروردگار

از دیگر ویژگی‌های فرهنگی مهاجرین امیدواری، توکل و اعتماد بر خداوند متعال می‌باشد.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱

«کسانی که هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند، و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

چنان که حضرت موسی (ع) هنگام هجرت به مدین، سخنان توکل بر خدا بود. قرآن می‌گوید: «هنگامی که متوجه جانب مدین شد، گفت: امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.»^۲

۳-۶. فرهنگ راستگویی در عمل

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته فرهنگی مهاجرین که در موفقیت و نفوذ اجتماعی آنها نقش بسزای دارد، راست‌گویی و صداقت‌پیشگی است.

پیامبران مخصوصاً پیامبر خاتم (ص) یکی از راه‌های موفقیتشان راست‌گویی بود؛ تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) معروف به امین شده بود؛ یعنی، در همه چیز و همه جا مورد اطمینان بود، و گفتار او سراسر صداقت بود.

قرآن درباره این ویژگی می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ... أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»؛ «این اموال برای مهاجران فقیری است که از سرزمین خود بیرون رانده شدند... آنها راستگویانند.»

نقش و کاربرد این ویژگی درباره مبلغان مهاجر بیشتر ظاهر می‌شود؛ چرا که نقل

۱. بقره: ۲۱۸.

۲. قصص: ۲۰-۲۲.

مطالب به دور از تحریف و خلاف واقع باشد.

در یک کلام، مهاجرین در گفتار و رفتار خود صادق و راستگو بودند، و راستین کسی است که رفتار او گفتارش را تصدیق کند و راستی آن را آشکار سازد. امام کاظم (ع) در این رابطه می خوانیم: «مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكِيَ عَمَلُهُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۳) کسی که زبانش راست بگوید، کردارش پاک می شود». البته واژه «زکی» دو معنا دارد که هم به معنای افزایش است و هم به معنای پاکیزگی می باشد؛ لذا صداقت علاوه بر تطهیر عمل فرد، بر اعمال حسنه او نیز می افزاید.

نتیجه گیری

هجرت در زندگی بشر و پیشرفت علوم و بوجود آمدن تمدنها نقش تعیین کننده ای داشته و دارد. اسلام به عنوان آخرین دین الهی در ابعاد مختلف مسئله هجرت را مطرح کرده و بر آن پای فشرده است.

هجرت می تواند به دو انگیزه انجام می گیرد: از جمله اهداف دسته نخست می توان به اموری چون رهایی از استضعاف، رهایی از ظلم و ستم، حفظ ایمان، حفظ جان و مانند آن اشاره کرد. برخی دیگر از اهداف هجرت اموری چون انجام عبادت و آیین ها و مناسک، تقوا و پرهیزگاری، بهره مندی از فضل الهی، تفقه در دین و فراگیری معارف دینی و احکام الهی و احسان و انجام کارهای نیک می باشد. به هر حال، رهایی از فشارها و رسیدن به محیط مناسب جهت دست یابی به کمالات انسانی و رشدی از مهم ترین اهداف و فلسفه هجرت است. در نگرش اسلام به مسائل فرهنگی به موضوع هجرت برمیخوریم که در قرآن کریم و سیره قولی و عملی رسول اکرم (ص) مورد تاکید فراوان قرار گرفته است. صرفنظر از آثار فردی این پدیده، از بعد فرهنگی می توان به آثار شگرف آن در تاریخ صدر اسلام پرداخت به گونه ای که منشأ تحولات بسیار عظیمی گردید که باعث شکل گیری جامعه اسلامی و تثبیت و تقویت پایه های نظام اسلامی شد.

در نتیجه رضایت و خشنودی خدا در آیه ۱۰۰ سوره مبارکه توبه: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَوَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» روی یک عنوان کلی قرار گرفته و آن هجرت، نصرت، ایمان، عمل صالح و صبر و استقامت است، تمام صحابه مادامی که تحت این عناوین قرار داشتند مورد رضای خدا بودند و زمانی که از تحت این عناوین خارج شدند، از تحت رضایت خدا نیز خارج می شوند، و دیگر به آن ها مهاجر گفته نمی شود که مورد رضایت خداوند تبارک و تعالی قرار داشته باشند.

به هر حال، کسانی که توانایی هجرت را دارند ولی هجرت نمی کنند و در محیط کفر و ناسالم می مانند، در جایگاه بدی قرار خواهند گرفت و آتش دوزخ در قیامت ایشان را می سوزاند. چرا که از نظر قرآن ترک هجرت از سیطره و سلطه کافران و مشرکان، گناهی بزرگ است و خداوند جز از ناتوانان از هیچ کس نمی گذرد؛ زیرا بودن ایشان در آن محیط موجبات

تقویت دشمنان و کافران و نیز زمینه ساز پذیرش کفر و دست کم نفاق است هجرت جزء مسائل مهم اجتماعی و ترک آن در شرایط خاص جزء منکرات اجتماعی است. اگر انسان در محیط فسق و گناه قرار بگیرد و آنجا را ترک ننماید، عملی منکر را انجام داده است. از دیدگاه نهج البلاغه نیز فریضه‌ی هجرت، تشریحی دایمی و همیشگی است و طبعاً منحصر به دوره‌ی اولیّه‌ی اسلام و عصر پیامبر نمی‌باشد: **وَ الْهَجْرَةُ قَائِمَةٌ عَلَى حَذِّهَا الْأَوَّلِ...** و هجرت همچنان است که در روزگار اول بود. و پیوسته هجرت باید نمود. و خداوند به مردم روی زمین، از این که ایمانشان را پنهان دارند و یا آشکار سازند، نیازی ندارد و عنوان مهاجر به کسی نمی‌توان داد مگر آن که حجت خدا در زمین را بشناسد. پس کسی که آن را شناخت و بدان اقرار نمود، او مهاجر خواهد بود. «

همچنان که مهاجرت دارای آثار فرهنگی مثبت است می‌تواند پیامدهای خطرناک هم داشته باشد که از آن در اسلام به عنوان تعرب و بازگشت به جاهلیت و فرهنگ جاهلی یاد می‌شود و دامنه‌های تعرب تا باورها و فرهنگ مهاجرین ریشه دوانیده و آثار مخرب اعتقادی و اجتماعی و روانی برای او به ارمغان می‌آورد.

مهاجر از دیدگاه نهج البلاغه، دست به یک رفتار اعتراضی و قهرآمیز زده تا بتواند با هجرت، هویت ایمانی و معنوی و اخلاقی خود را حفظ کرده، شخصیت اسلامی‌اش مصون بماند. در مجموع از منظر متون دینی، هجرت دارای سه دستاورد مهم می‌باشد:

اولاً: با وسعت رزق و ازدیاد در آمد مهاجران همراه است؛ مهاجران محور روابط خویش را خشنودی و رضایت خداوند در نظر می‌گرفتند؛ از این رو، می‌توان آنها را به عنوان الگوهای فرهنگی گروه‌های اسلامی معرفی کرده و خط مشی کلی و خطوط اساسی همه گروه‌ها در جوامع اسلامی را براساس الگوهای قرآنی و رویکردهای دینی مهاجرین تنظیم و تدوین کرد. و در مجموع می‌توان به این نتیجه دست یافت که ویژگی‌های فرهنگی مهاجرین در بعد نظری با بررسی انگیزه‌های اساسی آن که از آیات قرآن و روایات معصومین: استنباط می‌شود با بعد عملی آن که در اقدامات پیامبر اکرم(ص) پس از هجرت تاریخی به مدینه و پیامدهای آن مشهود است، قابل انطباق است و می‌توان هر دو را در جهت تمرکز بخشیدن به نظام فرهنگی و اجتماعی اسلام دانست.

فهرست منابع

- قرآن کریم، (۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۷)، محمد بن حسین شریف الرضی، مترجم: محمد دشتی، ناشر: الهادی.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (صدوق)، (۱۳۸۳) علل الشرائع، ناشر: مومنین.
 ۲. ابن جریر طبری؛ تاریخ طبری، (۱۴۰۸ق) بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم.
 ۳. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۳۸۳ق) طبقات الکبری، ناشر: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۰۳.
 ۴. ابن شهر آشوب، (۱۳۷۹ق) مناقب، مصحح: آشتیانی، محمد حسین و رسولی، هاشم، ناشر: علامه.
 ۵. ابن طاووس، رضی الدین، (۱۴۰۶ق) فلاح السائل، نشر: صدرا.
 ۶. ابن واضح یعقوبی، (۱۳۶۲ق) تاریخ یعقوبی، مرکز انتشارات علمی، ترجمه دکتر ابراهیم آیتی.
 ۷. ابن الاثیر، محمد الجزری، (۱۳۶۷ق) النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، الجزء الخامس، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۸. ابن هشام، الحمیری، (۱۴۱۸)، سیره النبویه، المدنی، قاهره: المطبعه، ناشر: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، بمصر.
 ۹. ابن هشام، سیره ابن هشام، (۱۴۱۸)، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ ششم.
 ۱۰. بحرانی، یوسف، (۱۳۶۹)، الحدائق الناضره، نشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۱. بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۱۷)، تاریخ بغداد، نشر: دارالکتب العلمیه.
 ۱۲. تمیمی آمدی، (۱۳۹۵)، عبدالواحدین محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ناشر: موسسه فرهنگی دارالحدیث.
 ۱۳. جعفری، یعقوب، (۱۳۹۰)، تفسیر کوثر، ناشر: هجرت.

۱۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵)، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، نشر: اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، مراحل اخلاقی در قرآن، ناشر: اسراء.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۶۹)، صحاح اللغة، نشر: امیری.
۱۷. خمینی، روح الله، (۱۳۹۸)، سرالصلوة: معراج السالکین و صلوة العارفين، نشر: موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۸)، مفردات الفاظ القرآن، ناشر: مرتضوی.
۱۹. زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴)، تاج العروس فی شرح القاموس، نشر: دارالفکر.
۲۰. صفورایی پاییزی، محمد مهدی، (۱۳۸۳)، آموزه های دینی و نقش آنها در پیشگیری از آسیبهای روانی، مجله معرفت، شماره ۷۷.
۲۱. طباطبائی، محمد حسین؛ (۱۳۷۴)، المیزان، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. طبرسی، (۱۳۷۲)، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۰)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۹۸)، تاریخ طبری، مترجم: ابوالقاسم پاینده، سال نشر.
۲۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۲)، مجمع البحرين، نشر: تهران، مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمد بنا حسن، التبیان، (۱۳۸۹)، ناشر: آل البیت.
۲۷. عسکری، مرتضی، (۱۳۸۵)، سقیفه، بررسی نحوه شکل گیری حکومت پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) نشر: تهران، منیر.
۲۸. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۰۲)، المحجّة البيضاء، تهران، مکتبه الصدوق.
۲۹. فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۷۸)، هندسه معرفتی کلام جدید، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۴)، کافی، ناشر: بیروت، دارالاحیاء التراث.
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار الاثمة الاطهار، ۳۳ جلد، بیروت: مؤسسه الوفاء.

۳۲. محمدی اشتهاردی، محمد، (۱۳۹۰)، پندهای جاویدان، نشر: نبوی.
۳۳. محمدی ری شهری، (۱۴۲۲)، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
۳۴. مسعودی، علی بن حسین، (۱۸۹۳ م)، تنبيه و الاشراف، ناشر: مطبعة بریل، لیدن، هلند.
۳۵. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۶. مقریزی، (۱۴۲۰ق)، امتاع الاسماع، دار صادر.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۰)، تفسیر نمونه (ج ۳)، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۹)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، نشر: قم مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۳۹. نراقی، احمد، (۱۳۷۸)، معراج السعادة، نشر: جمال.
۴۰. نوری، میرزا حسین، (۱۳۶۹)، مستدرک الوسائل، نشر: آل بیت.
۴۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۸۹)، تاریخ یعقوبی، ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.